



آدمی شش‌دو

طنز

لیژه قاسمی‌زادیان

درشت‌ها و سالم‌ها بزرگ کرده و زیری‌ها از شدت فشار و سنگینی بالایی‌ها، حسابی لاغر شده‌اند. و بعضی‌ها هم که نتوانستند به نفس راحت بکشند، بدنشان سیاه شده و یا عفونت کرده. تو هم مثل ما، حتماً اهل این جور خریده‌ها نیستی. به ویژه وقتی که اوضاع جیبیت، خیلی هم رو به راه نباشه. تبصره: بعضی آدم‌ها، مثل آن میوه درشت‌ها هستند که نه دست کسی پهبشون می‌رسه، و نه کسی جرأت داره پهبشون نگاه کنه. انصاف نیست، آخه چند نفر به به نفر؟! خب مدیریت یه ایالت پُر جمعیت، برای یه مرد عیال‌وار، کار چندان آسونی هم نیست. اما آگه اون پدر، بچه‌های خوبی داشته باشه، حداقل، تحمل این همه سختی براش آسون می‌شه.

تبصره: نزدیک انتخابات که می‌شه، همه حواس‌ها، متوجه شرایط ریاست‌جمهوری می‌شه. البته خیلی هم خوبه ولی تا حالا فکر کردی من و تو باید چی کار کنیم؟ چه جور باشیم؟ باور کن، اگر من و تو درست زندگی کنیم، البته نه مثل اون شبه‌آدمیزادها و میوه‌فروشی مریخی، خیلی چیزها

چند وقت پیش، با یکی دو تا از بر و بچه‌ها رفته بودیم کره مریخ، جاتون خیلی خالی بود. از قضای روزگار، اون جا یه موجوداتی دیدیم شبیه آدمیزاد، که البته خیلی هم اهل حساب و کتاب بودند. هر روز صبح علی‌الطولوع یه معادله سه مجهولی می‌نوشتند توی لیست سفارش‌های خانم‌هاشون که ما هم خونه می‌خواهیم، هم ماشین، هم موبایل، فقط هم یه میلیون تومن داریم. بعضی‌هاشون که خیلی زرنگ بودند، شب نشده مسأله را کامل حل کرده بودند. واقعاً که مخ ریاضی بودند. ولی راستش رو بخوای، حرف حساب زیاد سرشون نمی‌شد.

تبصره: خدا کنه تو کره زمین ما، این شبه‌آدمیزادها تولیدمثل نکنند و الا اگر تکثیر بشن، دیگه هیچ کس چون سالم به در نمی‌بره. شنیدی که وقتی «ربا» زیاد بشه، خدا زلزله می‌فرسته!

یه روز توی همان مریخ، رفتیم میوه فروشی. گفتیم روی زمین که دستمون به میوه نمی‌رسه؛ حداقل یه جعبه پرتقالی، سیبی، از اون جا سوغاتی بیاریم. دیدیم ای دل غافل، جناب میوه‌فروش، روی جعبه رو با

حَلَه.

یه مدیری داشتیم که خیلی نازنین بود. هر کس از شرایط اداری شکایتی داشت، برایش دعا می‌کرد بیفته تو کار اجرایی. البته طرف‌را قانع هم می‌کرد. یه بار نزدیک بود دعاش در حق ما هم مستجاب بشه. نمی‌دونم که دیگه به جای هفته‌ای یک بار، روزی سه بار فشار خونمون می‌افتاد پایین و کسی نبود جمعش کنه.

تبصره: یه لحظه خودت را بذار جای رئیس‌جمهورت. می‌بینی که سخت‌تر از اون‌ی که حتی فکرش رو بکنی. از خدا بخواه که همه‌بتونیم بلیت سرزمین عجیب شناخت را تهیه کنیم تا یه لحظه هم غافل نمونیم؛ حتی یک لحظه. البته یادت نره اگه زودتر رفتی اون‌جا برای همه دعوت‌نامه بفرستی. این جمهوری اسلامی که ما می‌بینیم، حقشه که هم رئیس خوبی داشته باشه، هم جمهور خوبی؛ آخه کم خون جوان که پایش ریخته نشده.

گاهی رئیس‌ها خیلی خوبند، جمهورها اهل وفا نیستند، نمونه می‌خواهی؟! البته ما فعلاً جای نمونه نداریم ولی مثال، تا دلت بخواد، هست. بعضی وقت‌ها هم قضیه برعکسه. این قضیه هم که مثل کلی منطقی نیست که مصداق خارجی نداشته باشد.

تبصره: یه بزرگی می‌گفت: جامعه ما، جامعه خوبیه، مشکل ما افراد هستند. اگر هر فرد خودش را اصلاح کنه، خیلی از موانع ظهور برداشته می‌شه. شنیدی که چی گفتند؟ من و تو اگر به فکر خودسازی نباشیم، ما هم می‌شیم مانع ظهور! حرف کمی نیست‌ها.

اگه یه جایی، چند بار دعوت کنن، حتماً می‌ری نه! به ویژه اگه این مهمونی به خاطر تو باشه. البته ادب، اقتضا می‌کنه که حتماً بری.

تبصره: مثل ما جوان‌ها، مثل همان مهمونیه که برات گفتیم. خیلی هم رومون حساب کردند؛ هم برای وجودمون ارزش قائل شدند، هم برای نظرهامون. من که ترجیح می‌دم اصلاً خودم را دست کم نگیرم و حتماً برم پای صندوق. آخه ایمان دارم که ما آینده‌سازان ایرانیم.

تا چند وقت پیش ۱ + ۱ می‌شد دو، ولی مثل این که حالا قانون می‌خواد عوض بشه. استادی داشتیم که می‌گفتند: هر کس دنیا رو به دید خودش می‌بینه. اگه به یه ریاضی‌دان بگی یک + یک چند می‌شه؟ می‌گه دو. به یه میوه فروش بگی، می‌گه دو تومان. به یه عارف بگی می‌گه یک. البته ما ادعای عرفان نمی‌کنیم؛ ولی من مطمئنم هر کدام از ما، یک، یک هستیم که به تنهایی کاری نمی‌تونیم انجام بدیم، و یه نیمه ناقص هستیم؛ اما اگه با هم وحدت فکری و عملی داشته باشیم، هیچ کس نمی‌تونه ما رو از هم جداکنه. حتی تشخیص هم نمی‌دهد که من یک اول بودم یا تو.

تبصره: می‌خواستیم بگم من و تو خیلی وقت‌ها از دیگران توقع داریم ولی از خودمون هیچ وقت. این انصاف نیست. قبول داری که البته ناگفته نماند، ما مخلص همه جوان‌های باصفای ایرانی هستیم. فاقد شیء، معطی شیء نمی‌شود. این به قانون عقلی فلسفه است که حتی به مورد استثنا هم نمی‌خوره.

جهان، جهان علیت است و خالق این جهان هم هیچ وقت، این قانون رو نقض نمی‌کنه. خد، خوبی محض است و به بنده‌هاش فقط خوبی می‌رساند. البته اگر بنده‌ها این خوبی‌ها را خوب تحویل بگیرند. تبصره: یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خدا به ما داده، همین انقلابه. اگر قدرش را ندانیم و ناشکری کنیم، هر اتفاقی افتاد، دیگه پای خودمون، یادمون باشه که فاقد شیء معطی شیء نمی‌شود. خدا خودش خوبه و فقط معطی خوبی. هر چی هم بد باشیم، همش تقصیر خودمونه! بی‌تعارف.

►► نزدیک انتخابات که می‌شه، همه حواس‌ها، متوجه شرایط ریاست‌جمهوری می‌شه. البته خیلی هم خوبه ولی تا حالا فکر کردی من و تو باید چی کار کنیم؟ چه جور باشیم؟ باور کن، اگر من و تو درست زندگی کنیم، البته نه مثل اون شبه آادمیزادها و میوه فروشی مریخی، خیلی چیزها حله

►► یه لحظه خودت را بذار جای رئیس‌جمهورت. می‌بینی که سخت‌تر از اون‌ی که حتی فکرش رو بکنی. از خدا بخواه که همه بتونیم بلیت سرزمین عجیب شناخت را تهیه کنیم؛ تا یه لحظه هم غافل نمونیم؛ حتی یک لحظه

